

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Children

کودکان

فرستنده: جهانگیر محبی

نگارش: ش. بامداد

۱۴ جولای ۲۰۱۱



"شکنجه در عصر ترس" ۱، نام کتابی است که اخیراً توسط انتشارات "سرافیم" در کانادا منتشر شده است. نویسنده کتاب دکتر عزت مصلی نژاد، کارشناس ارشد و پژوهشگر مرکز کاندائی قربانیان شکنجه ۳ فصل از ۱۲ فصل کتاب را به موضوع خشونت نسبت به کودکان در جهان ما و نیز فصلی را به وضعیت کودکان در زندانهای ایران اختصاص داده است. آنچه در زیر می‌آید برگردانی است از بخشی از این کتاب و نگاهی است به وضعیت کودکانی که در مناطق جنگی زندگی می‌کنند.

کودکان در جنگ

وقتی محلات مسکونی شهرها و یا روستاها جولانگاه جنگ و ترور و اشغال می‌شوند، کودکان فشار سنگین آثار جنگ را خاموش و بی‌دفاع تحمل می‌کنند. در گوشه و کنار جهان، کودکان بیش از ۳۰ کشور هم اکنون چنین وضعیتی دارند. با وجود اعلامیه جهانی حقوق کودک و تصویب دو پروتکل موثر بر آن برای دفاع از جان کودکان

در مناطق جنگی و به رغم همه فعالیتها و اقدامات با ارزشی که در سالهای اخیر توسط افراد، گروههای جامعه مدنی، سازمانهای غیر دولتی و دولتی، و سازمانهای بین المللی انجام گرفته است، تنها در دهه گذشته دو میلیون کودک در مناطق و کشورهای درگیر جنگ کشته شده‌اند، بیش از ۴ میلیون آواره و یک میلیون یتیم بر جای مانده‌اند، و بیش از ده میلیون دچار مشکلات روانی، ناشی از آسیب‌های گوناگونی مثل آدم ربائی، زندان، تجاوز جنسی و دیدن مرگ فجیع اعضای خانواده، شده‌اند. هم اکنون صدها هزار کودک به عنوان جنگجو در ارتشهای دولتی و یا گروههای شورشی سلاح به دست دارند. وضعیتی که دختر بچه‌ها در جریان جنگ و حتی پس از آن تجربه و تحمل می‌کنند غیر قابل تصور است و نیازهای عاجل آنها مورد توجه جدی واقع نشده است.

از اواخر سده گذشته، با فروپاشی شماری از دولتها و داد و ستد افسارگسیخته اسلحه و مهمات، جنگهای داخلی ابعاد تازه‌ای پیدا کرده، و جمعیت‌های وحشت زده از جنایتهای شرم آور و گروههای غیرمتعارف و مافیائی بیشتر شده‌اند. به رغم مفاد روشن مصوبه رم در رابطه با دادگاه کیفری بین المللی اما این جنایات همچنان ادامه دارد. در افریقا ۳۰ جنگ از سال ۱۹۷۰ که عمده هم کشمکشهای داخلی بوده‌اند قاره را در محاق نکبت جنگ و چرخه فقر و توسعه نیافتگی بیشتر گرفتار کرده‌اند.

دهه گذشته در افغانستان، آنگولا، بوسنی و هرزه گوین، کنگو، اریتره، اتیوپی، رواندا، سیرالئون، سومالی، سودان، کوزوو، تیمور شرقی، عراق و نقاط مشتعل دیگر ساز و کارهای توسعه و دستاوردهای مدرنیزم مانند آزادی، دموکراسی، سواد، بهداشت، رفاه، و فن آوری‌های جدید و ... هر چه بیشتر منهدم شده‌اند. دستاورد فرهنگها و تمدن‌های گوناگون بشری در خطر نابودی قرار گرفته‌اند. و حقوق شهروندی و به خصوص حقوق زنان و کودکان بیشتر و بدتر نقض شده است.

"شکنجه در عصر ترس" ۱، نام کتابی است که اخیراً توسط انتشارات "سرافیم" در کانادا منتشر شده است. نویسنده کتاب دکتر عزت مصلی نژاد، کارشناس ارشد و پژوهشگر مرکز کاندائی قربانیان شکنجه ۳ فصل از ۱۲ فصل کتاب را به موضوع خشونت نسبت به کودکان در جهان ما و نیز فصلی را به وضعیت کودکان در زندانهای ایران اختصاص داده است. آنچه در زیر می‌آید برگردانی است از بخشی از این کتاب و نگاهی است به وضعیت کودکانی که در مناطق جنگی زندگی می‌کنند.

رنج‌های ته نشین در خون

قربانیان جنگهای دوران جدید عمده غیر نظامیان و به خصوص کودکان هستند. در شصت سالی که از جنگ جهانی دوم گذشته است، جهان ما شاهد بیش از ۱۵۰ جنگ بزرگ و کوچک بوده که ۱۳۰ مورد آن در کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته جایی که نکبت فقر، استبداد، و جنگ‌های قومی بیداد می‌کنند، رخ داده است.

نسبت تلفات غیر نظامیان از ۱۰ درصد کل تلفات در جنگ اول جهانی به نود درصد در جنگ‌های اخیر رسیده است که هشتاد درصد آن نیز کودکان و زنان بوده‌اند. در جنگ‌های داخلی عموماً نزاع و درگیری در مناطقی که مردم زندگی می‌کنند، جریان دارد و نه در میدان‌های جنگ. در دوره زمانی پس از پایان جنگ سرد این اعضای گروههای متخاصم و فرزندانشان بوده‌اند که آماج کینه‌های قومی و جنگهای داخلی قرار گرفته‌اند.

گراسا ماشل، نماینده دبیرکل سازمان ملل در مسائل مربوط به کودکان مناطق جنگی در سال ۱۹۹۶ در گزارش مشهور خود به مجمع عمومی سازمان ملل در مورد اثرات جنگ بر کودکان "می‌نویسد: "بگذارید کودکان را مناطق صلح بنامیم. به این ترتیب سرانجام نوع بشر اعلام خواهد کرد که دوران کودکی دوران مصونیت است و کودکان از

اثرات مهلك نبردهای نظامی باید در امان بمانند".

نه سال از بیان این سخنان گذشته است، اما فشار مصیبت‌های جنگ بر کودکان همچنان بی حد و حصر است. جنگ تخریب زیرساخت‌های اقتصادی، توسعه نیافتگی بیشتر و فقر فزونی را در پی داشته و دارد. و هزاران دختر جوان را به پذیرش ویروس "اچ.آی.وی" و ابتلا به ایدز و تن دادن به فحشاء برای به دست آوردن پول و غذا واداشته است. جنگ‌ها، در هر گوشه جهان، از کودکان تلفات می‌گیرند و کودکی آنان را به یغما می‌برند. در برخی مناطق طول زمان جنگ‌ها بیش از سن و سال بچه‌هاست. کودکان بسیاری در این مناطق هرگز شانس تجربه نوع دیگری از زندگی جز زیستن در جنگ را به دست نیاورده‌اند، اما آنان در سال‌های اولیه زندگی خود درد و رنج‌هایی را تجربه می‌کنند، که بیش از تجارب دردناک زندگی آدمهای بالغ است.

زیر بالهای ترس و مرگ

جنگ، اشغال و حملات تروریستی بدبختی‌های کودکان را فرا تر از تصور افزایش داده است.

- در عراق کودکان اصلی ترین قربانیان جنگ و اشغال هستند

پیش از اشغال توسط نیروهای ائتلاف، مرگ و میر کودکان زیر پنجساله عراقی بیش از دو برابر مرگ میر کودکان در ده سال پیش از آن شده بود.

در گزارشی که توسط صندوق کودکان سازمان ملل در مورد وضعیت کودکان جهان در سال ۲۰۰۴ تهیه شده، چنین آمده است: یکی از درگیریهای میان عراقی‌ها و نیروهای ائتلاف در فلوجه و بصره، برای نمونه، کشته شدن فجیع بیش از ۱۰۰ کودک را در پی داشت که برخی از آنان در راه مدرسه و خانه تلف شدند. همین گزارش می‌افزاید: گروه‌های مافیائی از دزدیدن کودکان برای گروگانگیری، و یا وادار کردن بچه‌ها به انواع و اقسام کارهای تروریستی، و تحقیر و تنبیه آنها لحظه‌ای فروگذار نیستند.

هم کودکان فلسطینی و هم کودکان اسرائیلی از جنگ و ستیز میان دولت‌هایشان در کابوس و عذاب مداوم بزرگ می‌شوند. در حین عملیات ارتش و نیروهای امنیتی اسرائیل و نیز حملات تروریستی حماس و حزب الله، کودکان در برابر دیدگان یکدیگر کشته یا زخمی می‌شوند. علاوه بر این کودکان فلسطینی شاهد ویرانی خانه‌ها و محله‌های زندگیشان هستند و باید جور مجازات جمعی فلسطینیان توسط دولت اسرائیل را هم بکشند. هزارها کودک فلسطینی هم اکنون در خیل آوارگان جهان جای دارند. گذران یک زندگی معمولی و عادی به خاطر وقفه‌های مدام در خدمات آموزشی و بهداشتی، بسته شدن جاده‌ها، و برقراری حکومت نظامی از آنان دریغ شده است. نه در خانه و خیابان و نه در مدرسی که توسط سازمان ملل بر پا می‌شوند، کودکان فلسطینی از آتش گلوله‌های اسرائیلی در امان نیستند. "ما همیشه گوشمان پر از صدای هلی کوپتر، تانک و بمب است".

شهرهای فلسطینی رفح و خان یونس در نوار غزه و نابلس و جنین در کرانه غربی از سوی اسرائیل به عنوان مناطق جنگی اعلام شده اند، و همین به ارتش اسرائیل اختیار تام داده تا به گلوله باران مناطق مسکونی و صاف کردن خانه‌های فلسطینیان بپردازند. طبق گفته "مرکز فلسطینی حقوق بشر"، در چهار سال انتفاضه، ۱۳۶ کودک در رفح و خان یونس کشته شده اند، یعنی یک چهارم کودکانی که در خلال نا آرامیهای این دوره به علل مختلف از قبیل گلوله باران‌های بی هدف، کاربرد زور و خشونت، تیراندازی، کشتار و هدف قرار دادن کودکان به قتل رسیده‌اند.

- بنا به شواهد عفو بین الملل، در سال ۲۰۰۴ هزاران زن و دختر توسط "جانجوید"، گروه شبه نظامی بدوی، که به

وسیله حکومت سودان حمایت می‌شود، ربوده و یا مورد تجاوز واقع شده‌اند. شبه نظامیان جانجوید به ترویج دوباره تجاوزات گروهی به بچه‌های مدارس پرداخته‌اند. آن‌ها در پناه بمباران هواپیماهای جنگی سودان، دهکده‌ها را آتش می‌زنند، و شهروندان را می‌کشند. قربانیان اصلی این فجایع همواره کودکان بوده و هستند. تراژدی دارفور، نشان در ماندگی دنیای ما در حمایت از کودکان در مقابل غول پلید جنگ است. تا اکتبر ۲۰۰۴، بیش از ۱/۲ میلیون کودک تنها در نتیجه این جنگ آواره شده‌اند.

در راه مدرسه

اختلال در تحصیل کودکان و ویرانی مدارس فراورده جانبی جنگ‌هاست

- خاطره تلخ کشتار کودکان روس در مدرسه اشان هنوز از یادها نرفته است، در سپتامبر ۲۰۰۴، گروگان گرفتن مدرسه‌ای در بسلان (غرب روسیه)، به وسیله گروه‌های نظامی چچن و حمله متقابل نیروهای امنیتی روسیه بیش از ۳۵۰ کشته به جای گذاشت که ۱۵۰ نفر آنان کودکان کم سن و سال بودند. این رویداد غم انگیز نشانگر اهانتی شرم آور به اصلی ترین اصول اخلاق انسانی توسط حکومت‌ها و نیروهای شورشی است.

وضعیت البته در مناطق جنگ زده دیگر، بهتر از این نیست. به عنوان نمونه در ماه می ۲۰۰۳ در آسه اندونزی، ۴۶۰ مدرسه در جنگ میان نیروهای دولتی و شورشیان طعمه حریق شدند. در نپال، مدارس اغلب به عنوان مراکز تبلیغ و یا عضوگیری دولت و مخالفان استفاده می‌شوند. حمله به و یا دزدیدن معلمان و محصلان امری پر شمار است. در افغانستان احزاب غیرحکومتی، مدارس دخترانه را آتش می‌زنند و شبنامه‌هایی توزیع می‌کنند که در آنها دختران محصل را تهدید و مرعوب می‌کنند.

در مناطق اشغالی فلسطین، ۱۳۰۰ مدرسه در پی وضع حکومت نظامی، محاصره مناطق، و یا تعطیلی‌ها از کار کردن باز مانده‌اند.

- در منطقه بوگانیول در گینه جدید پاپوا، ۹ منطقه "ورود ممنوع" تحت کنترل شورشیان جدائی طلب قرار دارد، بچه‌ها در این مناطق نمی‌توانند به مدرسه بروند.

درس خواندن بچه‌ها در عراق در شرایط پر خطر و تهدید مدام بمبارانها، تظاهرات خونین، آدم ربائی و دیگر خشونت‌های هولناک برآمده از اشغال و جنگ انجام می‌گیرد.

آغاز انفجار مین‌ها

خاتمه جنگ و مخاصمه معمولاً به معنی پایان فاجعه برای بچه‌ها نیست، تازه کودکان در معرض انفجار باقیمانده‌های مواد منفجره جنگ قرار می‌گیرند که هزاران تن از آنان هر ساله کشته یا معلول می‌شوند. نزدیک به دو سوم از ۶۵ کشوری که از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۳ با تلفات غیرنظامیان در اثر انفجار مین روبرو بوده اند، هیچ عملیات جنگی هنگام رخدادن انفجارها وجود نداشته است.

تحقیقات دیده بان حقوق بشر نشان می‌دهد که استفاده از بمب‌های خوشه ئی به وسیله نیروهای ائتلاف در مناطق مسکونی عراق یکی از علل اصلی تلفات غیر نظامیان در سال ۲۰۰۳ بوده است. بیش از ۲۰۰ میلیون مین زمینی در زرادخانه‌های ۶۷ کشور جهان انبار شده‌اند. برای تولید هر مین زمینی حدود ۳ دلار هزینه می‌شود در حالیکه پاک کردن هر یک مستلزم هزینه‌ای حدود ۱۰۰۰ دلار است. به رغم وجود قرار داد ممنوعیت کاربرد مین، هر ساله در اثر انفجار مین حدود ۲۰۰۰۰ نفر کشته و یا ناقص العضو می‌شوند. بیش از ۸۰ درصد اینان غیرنظامی

هستند و یک سومشان کودکانی که غالبا به مراقبت و امکانات بهداشتی دسترسی ندارند.

بر بال آرزوی صلح

لیندا دختر چهاردهای ساله که در جریان جنگ‌های داخلی آنگولا آواره شده است می‌گوید:

"اینجا، ما بچه‌ها در رنج و وضعیت دردناکی زندگی می‌کنیم. می‌باید همه پولمون رو ذخیره کنیم تا بتونیم از تانکر آب، آب خوردن بخریم. با پولی که ما داریم هیچ چیز دیگه‌ای نمیشه خرید. به جای لباس، کهنه‌های کثیف و پاره‌ای به تن داریم. من هیچوقت نمی‌تونم راحت بخوابم. رختخواب ما تکه‌های کاغذ و مقواهایی است که روی زمین کنار هم می‌چینیم. بیشتر در شهر خودم که بودم به مدرسه می‌رفتم، ولی اینجا به جای مدرسه رفتن باید مراقب خواهر و برادرهام باشم تا پدر و مادرم بتونند سر کار برند. من آرزو دارم مثل مردم عادی زندگی کنم. دوست دارم خانه و لباسی مثل بقیه داشته باشم، دلم می‌خواد به مدرسه برم و درس بخونم. آرزویم این است که به شهر و خانه‌ی خودمان برگردم. من دلم می‌خواهد در صلح زندگی کنم."

کودکان قربانیان بی گناه همه جنگ‌ها هستند. آنگاه که بچه‌ها در جنگ کشته یا مجروح نشوند، آواره و یتیم می‌شوند، دزدیده می‌شوند، مورد تجاوز قرار می‌گیرند، دچار اضطراب‌های روانی حاصل از مشاهده مستقیم خشونت می‌شوند، بی خانمان، فقیر، و عزادار عزیزترین کسانشان می‌شوند. وقتی هم که از این همه مصیبت جان به در می‌برند اغلب برای ادامه بقاء خود را در کشاکش نبردی دیگر علیه انواع بیماری‌ها، سرپناه نا مناسب، فقدان آب سالم و غذا و خدمات بهداشتی می‌یابند.

پانوش:

1. Ezat Mossallanejad, Torture in The Age of Fear, Toronto, Seraphim, 2005.
2. Craca Machel Report, Impact of Armed Conflict on Children, 1996